

جنگ این هیولای گشتار انسان‌ها همچون بختکی خانمان برانداز دارد بر شانه‌های کارگران و زحمت‌کشان افغانستان سنگینی می‌کند و دارد روزانه جان انسان‌های بی‌دفاع و بی‌گناه را می‌گیرد و زیر ساخت‌های جامعه را نابود می‌کند. سرمایه‌داران جهانی با لشکرکشی وحشیانه می‌خواستند و می‌خواهند پرچم "رهائی" و "آزادی" را در این سرزمین بر افرازند و جامعه‌ی انسانی را در گوشه‌ای از جهان و آن‌هم با خون و خون‌ریزی کودکان، زنان و توده‌های محروم بر قرار نمایند.

براستی که این سؤال در مقابل هر انسان آزاده و کمونیست قرار می‌گیرد که چگونه می‌توان سینه‌ی توده‌های بی‌دفاع را نشانه گرفت و خانه و کاشانه‌ی محروم‌ترین اقشار جامعه را گلوله باران، توپ باران و بر سرشان خراب نمود و سخن از پای‌بندی به آرمان‌های مردمی به میان آورد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان شاهد گرفت که سرمایه، حقوق پایه‌ای مردم را محترم شمرده و زمینه‌ی رشد و شکوفائی جامعه را فراهم نموده است؟

جانان بشریت دنیا را دارند به کام میلیاردها انسان رنج‌دیده تلخ می‌کنند و دارند شالوده‌های هر جامعه‌ای را با خاک یکسان می‌کنند تا حیات‌شان، ابدی بماند. می‌خواهند با تازه‌ترین و مدرن‌ترین سلاح‌ها و با اختصاص دادن بودجه‌های کلان نظامی و با تسلیح اجباری، سیاست‌های سرکوب‌گرایانه و منفعت‌طلبانه‌ی خود را در هر گوشه‌ای از دنیای سراسر ظلم، به پیش ببرند و به تبع از آن جنبش‌های بحق اعتراضی را منکوب و خفه نمایند. می‌خواهند به تتمه‌های توده‌های ستم‌دیده هر چه بیشتر دست درازی نمایند تا بر انبان سرمایه‌های‌شان بی‌افزایند. این به سیاست روزانه‌ی‌شان تبدیل شده است و دارند به هر دری می‌زنند تا بر مناسبات و روابط ظالمانه‌ی‌شان لطمه‌ای وارد نگردد. به همین دلیل یگانه راه بردوامی‌شان را در تعرض به محرومان بی‌دفاع انتخاب نموده‌اند و دارند زمین‌ها را با گشت و گشتار انسان‌های ستم‌دیده شخم می‌زنند. به حق که جنایت و درنده‌خوئی را به بالاترین حد ممکنه‌ی خود رسانده‌اند و بمنظور تأمین منافع‌ی خود، به هیچ احد الناسی هم رحم نمی‌کنند. پیر، جوان، کودک و زن و مرد، در قاموس آنان بی‌معناست و انسان و انسانیت را دارند در پای‌بندی کامل به حقوق عده‌ای مفت‌خوار و انگل صفت تعریف می‌نمایند. حمام خون براه می‌اندازند تا مبدا کاخ‌های‌شان فرو ریزد و بدرک واصل شوند. این دنیای آنان است و براستی که آنانرا با دنیای انسانیت، کاری نیست. بی‌دلیل هم نیست که دارند بر نیروی انسانی و بر هزینه‌های نجومی نظامی خود می‌افزایند تا جامعه‌ی "آرام" و دل‌خواهی خود را به توده‌های سرتاسر جهان و از جمله به کارگران و زحمت‌کشان افغانستان تحمیل نمایند.

می‌گویند هزینه‌ی جنگ در افغانستان "هر سال پنج برابر تولید ناخالص داخلی این کشور است" و همچنین "در هر دقیقه 57 هزار و 77 دلار" صرف جنگ یعنی این بلای خانمان‌سور می‌شود. باز هم خودی‌شان دارند می‌گویند که "در سال 2010 هزینه جنگ افغانستان بالغ بر 325 میلیارد دلار خواهد بود، یعنی برابر با هزینه سالیانه نظامی برتانیای بزرگ، چین، فرانسه، ژاپن، آلمان، روسیه و عربستان سعودی".

براستی که عجب دنیای ظالمانه‌ای را بر فضای افغانستان، استثمارگران و سرمایه‌داران جهانی حاکم نموده‌اند. پنج برابر تولید ناخالص داخلی و برابری با هزینه‌ی سالانه‌ی نظامی، دولت‌های بزرگی همچون چین، فرانسه، آلمان و غیره حکایت از آن دارد که چه بلایی را دارند بر سر مردم افغانستان می‌آورند؛ حکایت از آن دارد آنچه را که سرمایه‌داران و اشغال‌گران بدنبال آنند نه محترم شمردن و باز گرداندن حقوق اولیه‌ی میلیون‌ها انسان که سال‌های مدیدی در زیر سلطه‌ی رژیم‌های ضد خلقی جان‌شان به لب‌شان رسیده بل تثبیت موقعیت هر چه بیشتر سرمایه در سرزمین افغانستان می‌باشد. اگر چه آمار فوق را نباید و نمی‌بایست به حساب تمامی حقایق و جنایت‌کاری‌های قدرت‌مداران جهانی در افغانستان گذاشت. اما بنوبه‌ی خود حکایت از اوضاعی دارد که سرمایه‌داران جهانی در بخشی از منطقه‌ی خاورمیانه در پی آنند. توده در بند نان و آب خویش گرفتار است و قادر به تأمین نیازهای اولیه‌ی زندگی نیست، سرمایه دارد بمنظور به یغما بردن هر چه بیشتر منابعی طبیعی، مرتکب جنایت می‌شود و روزانه هزاران دلار هزینه می‌کند.

خون و خون‌ریزی در این سرزمین قطع شدنی نیست و دارد مشام توده‌های محروم را می‌آزاراند. مردم ستم‌دیده‌ی افغانستان این‌روزها از هر سو در معرض تعرض دولت‌مردان رنگارنگ سرمایه، اشغال‌گران و نیروهای وابسته بدانان قرار گرفته‌اند و براستی که از فردای خود بی‌خبرند. این دنیای توده‌ی محروم نیست. این دنیا فاقد امنیت است و فقط و فقط سرمایه‌داران جهانی و دار و دسته‌های رنگارنگ‌شان ذینفع‌اند. بی‌دلیل نیست که دارند شعله‌های جنگ را بر افروخته نگه می‌دارند و بر قشون نظامی خود می‌افزایند و میلیاردها دلار هزینه می‌کنند تا منفعت بناحق‌شان پا بر جا بماند. مگر می‌توان در چنین دنیای سراسر آشوب و جنگ و در بدری، سخنی از رشد و شکوفائی و بالندگی کودکان بر زبان آورد؟ کودکانی که از سر نداری والدین‌شان به نیروی کار ارزان تبدیل شده‌اند و دارند توسط باندهای قاچاق انسان مورد سوءاستفاده‌های گوناگون قرار می‌گیرند. کودکانی که از فراگیری علم و دانش محروم می‌باشند و در هر کوچه و پس‌کوچه‌ای نظاره‌گر درگیری‌های نظامی، پست‌های بازرسی و تفتیش بدنی‌اند.

همه بدرجاتی و به میزانی گسترده در این جامعه‌ی جنگ زده، در زیر فشارند. حقوق ناچیز کارگر را دارند بالا می‌کشند و کسی پاسخ‌گوی بی‌عدالتی‌های موجود نیست؛ علناً دارند پایه‌ای‌ترین حقوق زنان را لگدمال می‌کنند و هیچ قانونی مدافع‌ی آنان نیست. صدها نفر روزانه دارند بدلیل فقدان سیستم بهداشتی اولیه و آب مکفی و غیره جان‌شانرا از دست می‌دهند و کسی جوابگو نیست. چرا که منفعت سرمایه در تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان تعریف گردیده است؛ چرا که نیاز و پایه‌های سرمایه در خلاف نیاز و پایه‌های جامعه‌ی بشری و میلیاردها انسان محروم چیده شده است.

بی‌تردید اوضاع وخیم افغانستان، تک نمونه از اوضاع دهشت‌بار دنیای کنونی‌ست. همه‌جا مردم تحت فشارند و همه‌جا بی‌امنی شغلی و بی‌امنیتی و نداری دارد بیداد می‌کند. همه‌جا سرمایه چنگ انداخته است و همه‌جا دارد به یمن دم و دستگاه‌های سرکوب‌گر و با کُشت و کُشتار محرومان بر سیطره‌ی خود تداوم می‌بخشد. همه‌جا دارد قشون پیاده می‌کند و بر هزینه‌های نظامی می‌افزاید تا از محرومان هزینه گیرد. دارند زندگی را

هر چه بیشتر بر انسان‌های محروم تلخ می‌نمایند تا بر خوش‌کامی‌های خود بی‌افزایند. دارند بر دستجات مسلح و جیره‌خوار خود می‌افزایند تا جامعه‌ی بناحق‌شان دست نخورده باقی بماند؛ دارند امنیت هر روستا و محله را به گرده‌ی توده‌ی محروم می‌اندازند و آنانرا گوشت دم توپ قرار می‌دهند تا مبادا تاج و تخت‌شان زیر و رو شود. چنین سیاست‌هایی حاصل این جامعه و آن جامعه و این منطقه و آن منطقه نیست. به سیاست روتین سرمایه‌داران جهانی تبدیل گشته است.

واضح است تا زمانی‌که سرمایه و دار و دسته‌های مسلح رنگارگ‌اش در همه‌جا و بویژه در افغانستان حیات دارند نه تنها زندگی کارگران و زحمت‌کشان مسیر بهبودی را طی نخواهد کرد بل اسفناک‌تر و دهشت‌بارتر هم خواهد گردید. این جامعه بمانند همه‌ی جوامعی سرمایه‌داری و نابرابر، نیازمند تغییر جدی و بنیادی‌ست. بدلیل این‌که حیات ارتجاع و سرمایه و آن‌هم با هر رنگ و لباسی مترادف با تحقیر و توهین توده‌ها، زنان و بی‌چشم‌اندازی میلیون‌ها کودک و براه اندازی جنگ و خون و خون‌ریزی‌ست. با این اوصاف تنها با گسترش جنگ انقلابی علیه‌ی جنگ ضد انقلابی و با بریز کشیدن سلطه‌ی سرمایه‌داران جهانی و وابستگان‌شان و مهمتر از همه‌ی این‌ها با برقراری جامعه‌ی کمونیستی‌ست که بی‌امنیتی و نداری توده‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوز و ناعادلانه در سرتاسر افغانستان رخت بر خواهد بست و آسایش و امنیت و بالندگی جایگزین آن‌ها خواهد گردید.

21 جولای 2010

30 تیر 1389